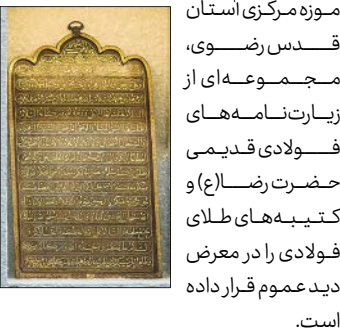


زندگی ایران

خبر

زیارت نامه‌های فولادی طلاکوب موزه رضوی



موزه مرکزی آستان قدس رضوی، مجموعه‌ای از زیارت‌نامه‌های فولادی قدیمی حضرت رضاع و کتیبه‌های طلای فولادی را در معرض دید عموم قرار داده است. زیارت‌نامه مشبک فولادی طلاکوب بالاسر حضرت که به خط نسخ و شامل دعای بالاسر مضجع شریف امام رضاع) است و همچنین زیارت‌نامه فولادی طلاکوب پایین پای حضرت، از جمله این آثار تاریخی ارزشمند است که هر دو در دوره افشاریه ساخته شده و در سال ۱۱۵۴ هجری قمری به‌دست «عبدا...خانن»، خزانه‌دار آستانه وقف شده است. زیارت‌نامه امام رضاع) از دیگر زیارت‌نامه‌های مشبک فولادی است که به خط ثلث در اسطر در دوره قاجار ساخته شده و به‌دست استاد حسن اصفهانی در سال ۱۲۶۴ هجری قمری وقف حرم رضوی شده است. زیارت‌نامه جامعه صغیره نیز اثر ارزشمند دیگری است که به‌صورت طلاکوب، از جنس فولاد و به خط نسخ و ثلث توسط استاد محمدابراهیم اصفهانی ساخته شده و ناصرالدین‌شاه قاجار آن را در سال ۱۲۹۹ هجری قمری وقف کرده است. به گفته حشمت کفیلی، رئیس گروه مطالعات و معرفی آثار موزه‌های آستان قدس رضوی، زیارت‌نامه‌های دیگری از جمله زیارت‌نامه فولادی زرکوب شامل زیارت حضرت رسول(ص) به خط ثلث و نسخ تزئینی شامل یک لوح فولادی محرابی‌شکل اهدایی ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۶۵ هجری قمری و کتیبه اشعار در مدح حضرت رضاع) اثر هنرمند برجسته خوشنویسی، علیرضا عباسی به خط نستعلیق که شاه‌عباس صفوی آن را در سال ۹۸۵ خورشیدی اهدا کرده و دو بیت نخست آن منسوب به شیخ بهایی و بیت سوم متعلق به محمدری دشت بیاضی، شاعر و ادیب قرن دهم هجری است، در این گنجینه در معرض نمایش قرار دارد.

موزه گنجینه رضوی همچنین بیش از ۲۰۰۰ برگ سند مکتوب تاریخی و بیش از صدها تصویر با محوریت زیارت حضرت رضاع) مربوط به عصر صفویه تا دوره معاصر را نیز در مرکز اسناد خود نگهداری می‌کند. این مجموعه ارزشمند یکی از مدون‌ترین مجموعه‌های اسناد زیارت مربوط به یک مکان مذهبی در جهان اسلام است. کهن‌ترین سند مربوط به سال ۱۰۱۲ هجری قمری یعنی زمان شاه‌عباس صفوی و مربوط به پرداخت مواجب به شخصی به نام امیرمحمدصالح رضوی، زیارت‌نامه خوان حرم رضوی است. / جام جم دیلی



استاد علی حسن درحال ساخت تنورهای سنتی

عکس:

امید بوجاریان

از این پس می‌توانید از یک موزه دیدنی در کرمانشاه بازدید کنید. در این موزه که در محوطه تاریخی طاق‌بستان قرار گرفته، ۱۲ سرستون وجود دارد که قادری، معاون میراث‌فرهنگی استان کرمانشاه می‌گوید از مسجد جامع کرمانشاه، بیستون، آبشوران و اطراف شهر کرمانشاه جمع‌آوری و به موزه منتقل شده‌اند. این

به تماشای سرستون‌های ساسانی در موزه طاق‌بستان کرمانشاه

سرستون‌های باستانی که می‌تواند بخشی از تاریخ و فرهنگ کرمانشاه را به مردم ایران و جهان معرفی کند از نمونه‌های بسیار ظریف و ارزشمند هنر حجاری عهد ساسانی است و به‌همین دلیل از دیرباز موردتوجه پژوهشگران بوده است. این سرستون‌ها به احتمال زیاد برای ساخت کاخ پادشاهی در دوره ساسانی تهیه شده



گفت‌وگو با استاد علی حسن محمودی؛ یکی از آخرین بازماندگان تنورسازی سنتی در ایران

خاموشی تنورها

زهره ترکمانی

ایران

یک باغ‌و باغچه، جوی آب، یک‌خانه خشتی کاهگلی و عطر نانی که از تنور گلی دودانلود در هوا پخش می‌شود و جان آدم را تازه می‌کند؛ این تصویری است از یک فضای کوچک چشم‌نواز و دوست‌داشتنی در یک آبادی، اصلا هرگاه نام تنور به گوش‌مان برسد، ذهن‌مان می‌رود سراغ یک چنین تصویری در روستایی خیالی یا آب‌و اجدادی، تنور. اما تا همین یکی دو قرن پیش جزوی از مطبخ خانه‌های بزرگ و کوچک شهری هم بود و نان داغ و تازه و خوش عطر و طعم دست‌اهل خانه و آبادی می‌داد. با گسترش شهرنشینی و برچیده شدن بساط حیاط خانه‌ها و صنعتی شدن بسیاری از مشاغل، تنور پررونق دیگری روبه‌مرگ و زوال رفت؛ شغل تنورسازی که پیش از آن به جای نان، تنور دست محول شد. نا‌ثوابی شغل جدیدی بود و در ازای تولد این شغل، شغل پررونق دیگری روبه‌مرگ و زوال رفت؛ شغل صنعتی نا‌ثوابی‌های سطح شهر مشتریان می‌داد. حالا از این شغل قدیمی تقریباً نام و نشانی نمانده و تعداد تنورسازان کشور از انگشتان یک دست هم تجاوز نمی‌کند؛ تنورسازانی که این روزها به یمن وجود مجموعه‌های تفریحی- گردشگری و برای رساندن نان داغ سنتی به مشتریانانشان هنوز گاه و بیگاه سفارش ساخت تنور گلی می‌گیرند؛ پکی مثل استاد علی حسن محمودی در اراک که در کاگاهش هنوز به روی مشتریان باز است و تنورهای گلی خمره‌ای مانندش طرفدار دارد.

شده ملاقات می‌کنم. عصر پنجشنبه است و باریکه نوری از خلال شکستگی شیشه سقف روی پلکان کاهگلی افتاده و پخش شده توی محوطه کاگاه. آن طرف نور کم‌رنگی از تنها پنجره پشت خاک تلنبار شده کاگاه روی تنورها افتاده و نارنجی‌رنگ شان کرده و بر زیبایی‌شان افزوده.

تنورهای گلی خیس و نیمه خشک کوچک و بزرگ منظر خشک شدن و پسندیده شدن توسط مشتریان احتمالی‌اند.

کشاورز زاده‌ای که تنور ساز شد

کارگاه کوچک و قدیمی استاد علی حسن

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۷۰۰

جدول عادی

افقی: ۱) به هیچ وجه- معادل فارسی زونکن- ستون بدن ۲) دشنام دادن- نیک بخت- بر سر عروس و داماد می‌ریزند ۳) انباشتگی- بازسازی- روزنامه چاپ ترکیه ۴) نوعی ماشین چاپ خودکار- مسیر تباهی ۵) عقیده- خون‌بها- بیش از حد لزوم ۶) افسانه‌های دروغ و بی‌اساس- قوس- داروی بی‌هوشی ۷) پیشانی- پایتخت فنلاند- رفوزه ۸) شیوه و روش- لوازم منزل- توله‌سگ شکاری ۹) نیم‌صدای درازگوش- وسیله‌ای برای فردادن مو- سرکرد ۱۰) برهنه- خلق و خو- پرورش دادن ۱۱) شهری در شهرستان دماوند- همسایه‌شیلی- بلندترین قله زاگرس ۱۲) از ارتفاعات استان کرمانشاه- عید میلاد مسیح ۱۳) آرزوها- عصاره غلیظ شده انگور- گیاه ۱۴) کشور فلاسفه- از مشتقات آمونیاک- خاشاک ۱۵) مساوی- دوست‌داشتنی- هیات وزیران.

عمودی: ۱) بیرون آوردن- رکورددار گل ملی فوتبال در جهان ۲) شکبایی- داستانی نوشته جان اشتاین بک- کاره‌ا ۳) نژاد ایرانیان- پرنده شکاری ۴) صاهای زمینه‌فیلم- ریمان محکم- تزیینی پرده ۵) مرکز استان الانبار در عراق- مقابل استثنائ- رمق آخر ۶) فاقد برجستگی- تاریک- زیرک ۷) شعری که در وصف جنگ سروده می‌شود- تکیه دادن- سخنان بیمار تب‌دار ۸) همراه پشتک- بیماری- شیپور جنگی ۹) پشیمانی- از نیروهای سه‌گانه ارتش- اجتناب کردن ۱۰) از نام‌های قرآن-

منقضي- قدم یکپا ۱۱) غذای رقیق- پتکه دنیایی- زنان بر سر کنند ۱۲) فاقد خصلت‌های پسندیده- پول آلمان- تکیه‌گاه ۱۳) مصیبت‌ها- مادون ۱۴) ستون- منفجر شدن- درخت خرما ۱۵) شهرستانی در استان البرز- فیلم‌نامه نویس.

نمشتاق و خواهان- راحتی

خیال- حیرت ۲) واحد بازی بدمینتون- استراحت کردن- نوعی ماهی خوراکی جنوب ۳) ماده مخدر تریاک- به یکدیگر

حل جدول عادی شماره ۵۶۹۹

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	م	ز	ا	ر	د	س	ا	ل	ه	د	ل	ک	ش	ا	۱
۲	ت	و	ل	د	ب	و	س	ی	ن	ا	س	ی	و	ه	۲
۳	ق	ی	ت	و	س	ی	ب	ی	ک	س	ک	ر			۳
۴	ن	خ	ب	ل	ا	س	م	ا	م	ج	ت	ر	م		۴
۵	م	م	ی	ا	ف	ر	ت	ا	ب	ی	ن	ا			۵
۶	ت	ی	و	ر	ی	ا	س	ی	ی	و	ن	س			۶
۷	ک	ر	د	ق	ل	ی	ا	س	ی	ا	ف	و			۷
۸	ن	ه	ا	ر	ی	م	ش	ا	ت	ن	ر	س	ی		۸
۹	ی	ن	و	م	ی	ن	ب	ا	ت	ن	ا	ی			۹
۱۰	ک	ب	د	ل	ا	د	ه	م	ا	م	ن	ت			۱۰
۱۱	ر	ن	س	ا	ن	س	ا	ق	ی	ا					۱۱
۱۲	ح	و	ا	ر	ی	ک	ا	م	ل	ی	ا	ز	ن		۱۲
۱۳	ا	ب	ی	ر	ه	ر	و	ی	د	ی	د	ن			۱۳
۱۴	س	ی	ا	ر	ن	ی	ن	و	ا	ک	و	ش	ی		۱۴
۱۵	ب	ا	ب	ک	خ	د	م	د	ی	ن	ل	ش	ک		۱۵

که با پایان یافتن دوره ساسانی کار ساخت کاخ هم نیمه تمام مانده است. قادری می‌گوید: از این سرستون‌های زیبا که لاله‌های واژگون به زیبایی و باظرافت روی آنها ترسیم شده، ۱۲۰ قطعه دیگر در مخزن گنجینه میراث‌فرهنگی استان موجود است که امیدواریم بتوانیم آنها را هم در معرض دید عموم قرار دهیم. / جام جم دیلی

زمین می‌نشیند و من هم روی پله کاهگلی، از کودکی اش که می‌پرسم فکرش می‌رود سمت

آبادی و پدر و مادر و کاشت بذر گندم، از وقتی یادم هست دوش به دوش پدر و مادر، با خیش و گاواهن زمین را گندم و دانه کاشتم و وقت برداشت بادست خالی و داس محصول برداشتم. این دست‌های پینه بسته از بچگی تا بگل و خاک آشناست، ببخود اینقدر زیر و پهن نشده.

سختی معیشت و گذران زندگی او را از کار

کم‌درآمد کشاورزی به تنورسازی می‌کشاند؛ سال ۸۲ روستا را به خاطر خشکسالی‌ها و

کساد ی کار کشاورزی ترک کردم و بازن و فرزند

راهی شهر شدم. دو سال فروشنده دوره‌گرد

بودم؛ کاری که با روحیه من که عمری نان بازویم

را خورده بودم، جور در نمی‌آمد. در همه ۶۳

سال عمری که خدا داده برکت خانه‌ام را از خاک

گرفته‌ام؛ چه وقتی که کشاورز بودم، چه حالا

که تنورسازم. راستش را بخواهید یاد عطر نان

مادر من را به ساخت تنور کشاند؛ بوی نان در

خانه صفایی دارد که جایگزینی برایش نیست،

این شد که دستفروشی را رها کردم و رقتم سراغ

حرفه تنورسازی.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و

حالا بعد از ۱۵ سال کار کردن از بیشتر استان‌ها

سفارش کار دارم و خدا را شکر کارگاهم رونق

دارد و روزی خانواده می‌رسد. حتی با این درآمد

حج هم رفته‌ام.

استاد علی حسن برای آموختن تنورسازی خود

را به کارگاه شاطر محمد می‌رساند و طی سه

سال تنورسازی را از او می‌آموزد؛ وقتی شاطر

محمد عمرش را به خدا داد به این کارگاه آمدم

و خودم به تنهایی کار تنورسازی را ادامه دادم و